

بمباران مردم توسط هواپیماهای ارتش ترکیه را بشدت محکوم میکنیم

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

صفحه ۲



درباره شیوه برخورد ما به قتلهای ناموسی و کشتن کولبران در کردستان

نسان نودینیان

قتلهای ناموسی متأسفانه به نسبت سالهای گذشته بیشتر شده. بررسی اجتماعی و روان شناسی این پدیده شوم و قرون وسطایی مبرمترین کار و پروژه باید باشد. چرا قتلهای ناموسی هنوز در شرایطیکه دنیا با مدرنترین و انسانیتزین دستاوردهای بشر امروز در جهت تنویر ارزشهای انسانی در دست میلیونها انسان این کره زمین هر روز خودش را آبدیت میکند. در شرایطیکه ارزشهای انسانی بشر با سرعت کمتر از یک ثانیه زمانی در دسترس است، خود نیز سوال بزرگ و فکر شده ای باید باشد.

در ایران تحت حاکمیت حکومت اسلامی که فرهنگ و ساختار فرهنگی - اجتماعی بر مبنای مذهب و اسلام و فقه، نهی از منکر، جدایی جنسیتی و آپارتاید جنسی و ستم بر زنان به شکل قانون رسمی درآمده است، زمینه های اخلاقی و عقیدتی و مردسالاری، برای قتلهای ناموسی بعنوان امری خداوندی بیشتر و فراهمتر از نظامهای سیاسی و بورژوازی است که در آن دین از دولت جدا است، که آموزش و پرورش از مذهب جدا است که میلیاردها دلار خرج نهادهای دولتی نمیشود. که مذهب متولی نیست و حقوق شهروندی مبنای رابطه جامعه است و ...

اخیرا توسط رفقای حزب حکمیتست در ارتباط با مبارزه علیه قتلهای ناموسی دخالت "گارد آزادی" در ارتباط با کسانیکه مرتکب قتلهای ناموسی شده اند پیش کشیده شده است. این بوجون و تهدید به دخالت "گارد آزادی" در جهت تنویر افکار عمومی نیست. هر حزب سیاسی با تهدید و ارعاب با خلاصه کردن راه حل های پایه ای اجتماعی به تهدیدهای نهادهای مسلح به مضاف مبارزه با قتلهای ناموسی برود در جهت تشویش آذهان عمومی گام برداشته است.

مبارزه اصولی و درست تلاش آگاهانه و کارساز در جهت پایه ها و دلائل ساختاری و سیاسی قتلهای ناموسی باید متمرکز شود. حضور فعال جنبش رهایی زن، حضور فعال شخصیتهای این جنبش در کردستان، دسترسی به امکانات برگزاری سمینار و جلسات مشاوره ای در ارتباط با قتلهای ناموسی و پوشش کامل درمیدیدی اجتماعی مهمترین و موثرترین فعالیتهایی است که باید علیه قتلهای ناموسی انجام داد.

هم جبهتی نیروهای سیاسی و بویژه ابراز وجود فعالین جنبش رهایی زن، بدست گرفتن مراسمهایی از نوع و جنس مراسمهاییکه در سنج و بویژه میروان علیه قتلهای ناموسی انجام شده است.

صفحه ۲

این طرح شما شکست خورد! حجاب سمبل بی حقوقی زن است! (گزارشی در باره شکست نمایشگاه نقاب)

صفحه ۳

نسرین رضانعلی

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۴

عزیزه لطفی

عبدال گلپریان یادداشتهای هفته

صفحه ۵

* نجات جان فوزیه جوازی از اعدام در دستان مردم و فعالین علیه اعدام است
* زنده باد انسانیت و دفاع از حق حیات
* فلاسفه دوران پدر شاهزاده!
* فوتبال زنان، ترامپ و نژادپرستی
* "کنگره مشاهیر کرد"، مظهر خالق می توانست سربلند بماند نه سرافکنده

اطلاعیه های حزب

* فراخوان بازنشستگان به تجمع اعتراضی و چند خبر اعتراضی دیگر
* چند خبر از اعتراضات هرروزه کارگران
* اطلاعیه خبری چند خبر اعتراضی

صفحه ۵

معرفی کتاب - از گروه فشار تا قدرت سیاسی مجموعه ۵ مقاله و سخنرانی از منصور حکمت

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

درباره شیوه برخورد ما به قتل‌های...



کولبران

کانال تلگرامی کولبرز نیوز در خبری در ارتباط با بدن شکنجه شده "سرحرد رها پیکار" کولبر نوشته است که "سرحرد رها پیکار" «در نقطه مرزی ته ته اورامانات توسط اشغالگران کردستان به مدت چند ساعت با ریختن آب سرد بر بدنش شکنجه شده است...»

کولبر نیوز ۴ عکس مثله شده از "سرحرد رها پیکار" کولبر را با آثار شکنجه منتشر کرده و نوشته این شکنجه ها توسط اشغالگران کردستان انجام شده است. ادمین های کولبرز نیوز خوب میدانند که؛ شکنجه و شلیک مستقیم به کولبران توسط نیروهای امنیتی و نظامی حکومت اسلامی تا کنون جان صدها کولبر را گرفته است. افزایش تعداد کارگران و جوانانی که به کولبری و دست فروشی مشغول میشوند از نتایج و تبعات بحران وین بست اقتصادی حکومت اسلامی و دولت روحانی است. هر روز به تعداد اخراجی ها افزوده میشود. ده ها هزار جوان تحصیل کرده فاقد موقعیت شغلی هستند. تعداد زیادی با حقوق های زیر نیم میلیون تومان در بخش خدمات شهری با حقوقهای! ۷ برابری زیر خط فقر امرار معاش میکنند. وحشیگری و شلیک مستقیم بطرف کولبران، اذیت و آزار دست فروشان تماما سیاستهایی هستند که توسط دولت روحانی و مزدوران نظامی حکومت اسلامی در پیش گرفته شده است.

مبارزه با بیکاری مساله اصلی و عرصه نبرد اجتماعی ما علیه نظام و حکومت اسلامی است. نمایش ن های مثله شده و شکنجه شده که توسط "اشغالگران کردستان" در صفحات

کانال های تلگرامی منتشر میشود، کارساز نیست. کردستان در ۴ دهه گذشته توسط حکومت اسلامی سرمایه میلیتاریزه شده. با زور توپ و تانک و اسلحه، با اعدام های دسته جمعی و شیخون های نظامی به مناطق تحت کنترل نیروهای مسلح و احزاب سیاسی در کردستان حمله کردند تا ادامه دستاوردهای دمکراتیک خیزش توده ای مردم در سطح سراسری و در کردستان را بازپس بگیرند و حاکمیت ضد انقلاب و خودگمارده خودشان را در کردستان به مردم تحمیل کنند. داستان حضور نظامی حکومت اسلامی برای تثبیت (که هیچوقت نشد) و برای بازپس گرفتن دستاوردهایی بود که مردم در کردستان با سرنگونی حکومت پهلوی ها و حضور فعال چپ و کمونیستها بدست آورده بودند. دستاوردهایی در دفاع آزادی و انقلاب، قدرت شورایی در شهرها و بنکها (ستادهای توده ای محلات) و دفاع از حقوق کارگران و زنان ...

تاکید ما بر سازماندهی اعتراض وسیع و توده ای علیه بیکاری، و تلاش برای پایان دادن به کولبری و مبارزه برای حق تامین معیشت کولبران و دستفروشان با اعتصاب و مبارزات شهری است. سالانه در مرزهای مشترک ایران با کشورهای همسایه بویژه در مرز ایران و عراق ده ها کولبر کشته و زخمی میشوند. هر هفته و یا هر روز ما شاهد شنیدن خبر تلخ کشته و زخمی شدن کولبران، شکنجه شدن آنها، سقوط از ارتفاعات بلند، غرق شدن آنها در رودخانه ها هستیم. در چند سال گذشته حکومت اسلامی دست به جنایتی بزرگ در ادامه کشتارهای دهه ۶۰ و ۷۰ زده است. صدها نفر از کارگران مرزی کولبران را کشته یا زخمی و معلول کرده است.

کارگران کولبر لشکر میلیونی کارگران بیکار هستند. بیکاری میلیونی یکی از چالشهای بزرگ دولت روحانی است. فقر و پایین بودن درآمد ها دامنه عواقب

بمباران مردم توسط هواپیماهای ارتش ترکیه را بشدت محکوم میکنیم

خود نشان نمیدهد بلکه هر بار به عناوین مختلف از اتخاذ موضع در این باره و در دفاع از امنیت و جان مردم تفره میرود.

مسئولیت حفظ و امنیت مردم شهر و روستاهای این منطقه بر عهده حکومت اقلیم کردستان عراق است.

کمیته کردستان حزب

کمونیست کارگری بمباران روستاهای دامنه قندیل و قتل و کشتار مردم بی دفاع منطقه بوسیله ارتش ترکیه را محکوم میکند و سکوت سران حکومت اقلیم کردستان عراق در قبال این توحش را بشا به همسویی آنان با این عمل ضد انسانی میداند.

ما همچنین از مردم آزادیخواه برابری طلب و مدافع حقوق انسانی میخواهیم که نسبت به این جنایت ارتش ترکیه اعتراض کنند. تمامی احزاب و سازمانهای سیاسی دخیل در منطقه که خود را مدافع حقوق مردم میدانند موظف هستند این عمل جنایتکارانه نیروهای دولت ترکیه را محکوم کنند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری

۲۸ ژوئن ۲۰۱۹

بنا به اخبار منتشر شده عصر روز پنجشنبه ۲۷ ژوئن ۲۰۱۹ هواپیماهای ارتش ترکیه دو روستای دامنه کوههای قندیل در خاک کردستان عراق را بمباران کردند که متأسفانه چهار نفر از اعضای یک خانواده جان خود را از دست داده و پنج نفر دیگر زخمی شدند.

این اولین بار نیست که ارتش و نیروی هوایی دولت ترکیه دست به چنین جنایتی در این مناطق می زنند. طی سالهای گذشته تا کنون دولت ترکیه به بهانه حمله به مواضع پ ک ک در کوههای قندیل، بارها روستاهای مردم زحمتکش دامنه قندیل را به راکت و توپ و خمپاره بسته و هر بار زنان، کودکان و مردم عادی این نواحی مورد هدف قرار میگیرند و جان خود را از دست میدهند.

حکومت اقلیم کردستان عراق بدلیل روابط حسنه ای که با حکومت فاشیستی ترکیه دارد و از سوی دیگر مخالف حضور نیروهای پ ک ک در کوههای قندیل در کردستان عراق است، نه تنها نسبت به آدم کشی ارتش و نیروهای دولت ترکیه در گرفتن جان مردم بی دفاع واکنشی از

خواست بیمه بیکاری و امنیت معیشتی را فریاد میزنند! اعتصابات سراسری در شهرهای کردستان، تجمع های رادیکال و اعتراضات معلمان در شهرهای کردستان ادامه خیزش انقلابی مردم در سراسر کشور و نشانه قدرت و آسادی مردم برای مبارزه علیه فقر و بیکاری و برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی میداند که اعتصابات عمومی و اعتراضات سراسری قدرتمندتری در سطح کشور در راه است و اعتصاب و اعتراض در شهرهای کردستان میتواند مانند جرقه ای برای خیزش عظیم مردم در سراسر

کشور عمل کند. جواب مردم کردستان علیه کشتن کولبران تداوم مبارزه و اعتصابات است. اعتراضات جاری در کردستان جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است اما مردم همانطور که اعلام کرده اند زبان تهدید حکومت را نمیپذیرند. مردم سفره خالی و فقر را نمیپذیرند! بیکاری و ستم و تبعیض را نمیپذیرند! صدها هزار نفر در کردستان بیکارند و خواهان بیمه بیکاری و تامین معیشت هستند. مردم رفاه و زندگی میخواهند و قصد کوتاه آمدن ندارند.

۱۰ تیر ۱۳۹۸

۱ ژوئیه ۲۰۱۹



این طرح شما شکست خورد! حجاب سمبل بی حقوقی زن است! (گزارشی در باره شکست نمایشگاه نقاب)

نسرین رضانعلی

این گزارش که از کشورهای اسلام زده گریخته اند از درد و رنجی که زنان با آن مواجه هستند صحبت کردند و تاکید کردند که حجاب صرفاً یک تکه پارچه نیست، بلکه سمبل خشونت علیه زنان و بی حقوقی آنهاست. آنها در سخنرانی خود اشاره کردند که مبارزه علیه حجاب اجباری و قوانین ضد زن در کشورهای اسلام زده گسترده است. سخنرانان تصریح کردند که چنین نمایشگاهی را ضد زن و ارتجاعی میدانند و با شدیدترین وجه به مقابله با آن بخواهند خاست. رعنا احمد که خود از عربستان گریخته است پس از ایراد سخنرانی با پرت کردن عبا و نقاب و برقع توجه زیادی را به خود معطوف کرد. حاضرین با سر دادن شعارهایی اعلام کردند که حجاب فقط یک تکه پارچه ای نیست بلکه پرچم و سنبل یک جنبش سیاه و ارتجاعی و بی نهایت ضد زن است. علاوه بر انتقادات تندى که علیه برگزار کننده و عکاس این نمایشگاه شد، نقدهای تندى دولت آلمان نیز بیان شد.

آخرین روز این تجمع ما شرکت کنندگان معترض به این نمایشگاه شاهد شکست کامل برگزار کنندگان این مضحکه بودیم. تعدادی مراجعین به این نمایشگاه به اندازه انگشتان دست نمیشود. و یک خانم آلمانی در حالی صورت و نیمه تنش را کامل پوشانده بود یا یک اکسیون جالبی اعتراض خود را به این نمایشگاه در مقابل سخنرانان درون سالن نشان داد. و حجاب این سلول انفرادی زنان را پرت میکند.

دیگر خبری از خبرنگار و عکاس و گزارشگر نبود. تا موفقیت این افتضاح سیاسی را منعکس کند. اعتراض بر حق ما چنان در مطبوعات سر صدا کرد که هیچ آلمانی حاضر نشد به این سالن برود.

پیروزمندان سخنرانان بیرون سالن شاد بودند، از اینکه صدای میلیونها میلیون زن تحت حاکمیتهای دیکتاتوری بودند. و اشاره داشتند به صدها زندانی که مدافع حقوق زن هستند و اکنون در زندان هستند، به جنبشی عظیمی اشاره داشتند که مخاف زن ستیزی و قوانین ارتجاعی هستند. ما پیروز شدیم. ما در کنار زنان مبارزی



میکند بحث ممنوعیت حجاب کودکان را - که اکنون در آلمان داغ است - به حاشیه برانند. اقدام به برگزاری نمایشگاه نقاب تقلابی بود برای جو سازی و مخالفت با بحث ممنوعیت حجاب کودکان. از اینرو معترضین با شدت به برگزاری این نمایشگاه به مقابله برخاستند.

روز اول برگزاری نمایشگاه، بر اساس گفته پلیس، بیش از ۱۰۰ نفر در محل حضور یافتند و با ابتکارات و اقدامات جالبی انزجار خود را از این حرکت اعلام کردند. حضور سولماز و کیل پور یکی از فعالین حقوق زنان با گروه خود که عمدتاً آلمانی هستند به شکل برهنه و نیمه برهنه به حمایت دولتی از نمایشگاه نقاب و برقع اعتراض کردند، که تن خونین این هنرمندان و تیشم توجه زیادی را به خود جلب کرد. آنها بطور سمبلیک نشان دادند که حجاب و برقع یعنی بی حقوقی زن، یعنی دست درازی به حقوق زنان، یعنی بی چهره و بی هویت کردن زنان!

چند سخنران و از جمله نگارنده

در کلن آزمایش میکند. اینبار با پشتوانه مقامات استانی و سازمانهای اسلامی و با دریافت کمک های مالی نمایشگاه خود را در کلن دایر کرد.

بلافاصله تشکل اکس مسلم، زنان ایران آلمان کلن و چهره های شناخته شده فعال عرصه زنان و همچنین هنرمند و حضور فعال اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران در شهر کلن هم پس از انتشار آفیش تبلیغی این نمایشگاه، چندین نامه اعتراضی و سرگشاده برای ایشان و همچنین اداره فرهنگ و علوم استان کلن ارسال شد. معترضین در نامه های خود اقدام به برگزاری این نمایشگاه را که با هدف عادی سازی حجاب و بیرون بردن آن از زیر تیغ منتقدین اسلام سیاسی است به باد انتقاد گرفتند. در این نامه ها تاکید شد که این اقدام خانم زلینا پفرورنر مهر تائیدی بر بی هویتی و بی چهره کردن زنانی است که از کشورهای اسلام زده به آلمان گریخته اند. و نکته مهمتر این است که ایشان با این اقدام خود تلاش

خانم زلینا پفرورنر (Selina Pfrüner) مستند ساز و عکاس ساکن شهر کلن آلمان، ماه گذشته در نمایشگاه لباس و مد در شهر فرانکفورت حضور یافت و به همراه همکاران و حامیان خود به تبلیغ و بازاریابی برای حجاب این سمبل فرودستی زن پرداخت. ایشان همه توان و تلاش خود را بکار گرفت که برای حجاب و نقاب و برقع آبرو بخرد و آنها را یک پوشش کاملاً عادی برای زنان جلوه بدهد. این اقدام وی اما با اعتراض وسیع فعالین جنبش زنان، سازمان اکس مسلم، تشکل "زنان ایران آلمان- فرانکفورت" و حضور فعالین حزب کمونیست کارگری ایران رو روبرو شد و شکست خورد.

برگزاری نمایشگاه فرانکفورت با اعتراض زنان و مردانی که از کشورهای اسلام زده فرار کرده و اکنون در آلمان زندگی میکنند، رو به رو شد. پس از شکست در فرانکفورت، اینبار خانم زلینا پفرورنر "بخت خود را در شهری که خود او ساکن است یعنی

بودیم که قدم به قدم با قوانین اسلامی جنگیند. شکست خورده خانم زلینا پفرورنر بود که خواست برای اسلام سیاسی در قلب اروپا آبرو بخرد.

مینا احدی در صحبتهای پایانی خود گفت حالا که شکست را به شما تحمیل کردیم، ما رسماً از شهردار راین فل میخواهیم بیاید علنی در یک پانل بحث کنیم. اکسیون با اهنگهای شاد و پیروزمندان در روز یکشنبه ۳۰ یولی پایان یافت!

لازم میبینم این نکته را نیز اشاره کنم، بازتاب رسانه ای آلمانی و فارسی اعتراض ما به این نمایشگاه برقع و نقاب گسترده بود.

در پایان لازم به است تاکید کنم که نقش مینا احدی در شکست این پروژه بسیار با اهمیت بود. وی با صدور فراخوان خطاب به مردم کلن و مردم استان نورراین و سفالن توجه زیادی را به برگزاری این نمایشگاه و اعتراضاتی که در مقابل آن شد جلب کرد. نقش وی در این پروژه غیره قابل انکار است. مینا احدی روز یکشنبه ۳۰ یونی در تجمع اعتراضی مقابل این نمایشگاه نیز حضور یافت و اعلام کرد "این طرح شما شکست خورد! تا زمانی که ما هستیم نخواهیم گذاشت با سمبل حجاب برای اسلام سیاسی آبرو بخرد.



ایران است، در مصاحبه با خط صلح از تجربیات خود در خصوص فعالیت هنری ضمن وجود تبعیض‌ها و موانع بسیار پیش روی هنرمندان در ایران، خصوصاً زنان می‌گوید. او معتقد است که در چهار دهه اخیر، بسیاری از خوانندگان زن خود فرو رفته و در سکوت، از یاد رفته‌اند.

خودسوزی یک زن ۲۴ ساله در آران و بیدگل

سرپرست اورژانس آران و بیدگل اعلام کرد که شب ۱۰ تیر یک زن ۲۴ ساله در آران و بیدگل اقدام به خودسوزی کرد و جان باخت. گفته می‌شود که این فرد روز پیش از حادثه نیز با اورژانس تماس داشته و تهدید به خودکشی یا قرص کرده، اما پس از شناسایی و انتقال به بیمارستان از آنجا متواری شده است.

خودکشی یک قربانی کودک همسری در مشهد

مادری که به ازدواج دخترش در ۱۳ سالگی رضایت داده بود، از خودکشی دخترش "فریده" پس از به دنیا آوردن نوزادش خبر داد. وی با اشاره به اینکه ازدواج در سن پایین برای کودکان را صحیح نمی‌دانسته می‌گوید که به علت تمول مالی خانواده پسر به ازدواج دخترش رضایت داده است. اما همین موضوع تنش‌های روانی زیادی برای فریده به همراه داشت که در نهایت باعث خودکشی وی پس از تولد فرزندش شد. فریده توسط مادر شوهرش از بابت وضعیت مالی خانواده اش تحقیر می‌شد و حتی دین فرزندش را نیز از وی دریغ می‌کردند. آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از کودک همسری ضربات جبران ناپذیری را بر روی زندگی دختران به‌ویژه بارداری‌های زیر ۱۸ سال، مرگومیر مادران، افسردگی، و بعضاً اقدام به خودکشی در کنار آسیب‌هایی مانند طلاق بازماندن از تحصیل و پایداری چرخه فقر فرهنگی و اقتصادی است.



پروین محمدی خواستار لغو پیگرد قضایی علیه وی و دیگر کارگران دستگیر شده می‌باشد. اتحادیه آزاد کارگران ایران - یازدهم تیر نود و هشت.

دیدار با خانواده زهرا محمدی

شماری از فعالان مدنی و حقوق بشری کردستان با خانواده زهرا محمدی، عضو بازداشت شده انجمن فرهنگی - اجتماعی "نوژین" دیدار کردند. در این دیدار، حسن امینی، رئیس مدرسه بخاری سنندج گفت امیدواریم زهرا هرچه زودتر آزاد شود. در ادامه این دیدار، اجلال قوامی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر اظهار داشت: فعالان مدنی تهدید نیستند و تهدید، فقر، بیکاری، شکاف ملت-حاکمیت است. این فعال حقوق بشر افزود: نباید قدردان جامعه مدنی بود و آنها را تکریم کرد نه اینکه جای شان بند و زندان باشد. در ادامه این دیدار خانواده زهرا محمدی از همراهی و همدلی مردم و فعالان مدنی قدردانی کردند.

زهرا محمدی ۴۰ روز است که در بلا تکلیفی به سر می‌برد

خواهر زهرا محمدی در واکنش به ۴۰ روز بازداشت خواهرش در صفحه فیس‌بوک خود نوشته است: "۴۰ روز بلا تکلیف و بدون تفهیم اتهام، بازداشتی غیرقانونی و غیرموجه، ۴۰ روزی که برای زهرا و خانواده او هر لحظه و هر ساعتش پر از رنج و انتظار است."

عسل محمدی شهادت می‌دهد

عسل محمدی، دانشجو و عضو تحریریه نشریه گام، جزئیاتی از زمان بازداشت سپیده قلیان، فعال مدنی و اسماعیل بخشی، نماینده کارگران هفته تپه را تشریح کرد و گفت که حاضر است برای آنچه که «شنیده» و «دیده» شهادت دهد. این بار عسل محمدی از جزئیات بازداشت سپیده قلیان و اسماعیل بخشی نوشت. عسل محمدی که با وثیقه ۴۰۰ میلیونی بعد از گذشت یک ماه به تازگی از زندان آزاد شده است، در مطلبی که کانال تلگرامی نشریه گام آن را منتشر کرده است، درباره بازجویی سپیده قلیان در بازداشتگاه اطلاعات اهواز نوشت که صدای فریادها و توهین‌های بازجویان را از اتاق کناری می‌شنیده و شاهد فشار ماموران برای گرفتن اعتراف دروغ از خانم قلیان بوده است. او همچنین به بازجویی‌های اسماعیل بخشی نیز اشاره کرده و نوشته است که صدای ممتد سرفه‌ها و تنگی نفس شدید اسماعیل و تمسخر ماموران را از اتاق بازجویی مجاور شنیده است. پیش از این نیز سپیده قلیان با انتشار جزئیات بازداشتش گفته بود که حاضر است در یک دادگاه عادلانه درباره شکنجه خود و اسماعیل بخشی شهادت دهد.

گزارشی از آخرین وضعیت آنیسا اسدالهی

برادر آنیسا اسدالهی در اینستاگرام خود خبر داده که آنیسا پس از ۱۲ روز بی‌خبری مطلق، با خانواده خود تماس گرفته و گفته که در سلول انفرادی به سر می‌برد و نمی‌داند تا کی آن‌جا خواهد ماند.

نوا جنگوک: ممنوعیت صدای زن تبعیض و خشونت علیه زنان است

نوا جنگوک از جمله زنانی است که در ایران به صورت حرفه ای به آواز خوانی و موسیقی پرداخته است. وی که فرزند نوازنده سرشناس، استاد عطا جنگوک، پژوهشگر و آموزگار موسیقی

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



شرایط سخت کاری کارگران زن در مجتمعهای گلخانه‌ای در سنندج

شرایط کار زنان کارگر در مجتمعهای گلخانه‌ای، که بیشتر از فارغ التحصیلان کشاورزی کردستان - سنندج وابسته به جهاد کشاورزی هستند بسیار وحشتناک است. گزارشی از کار زنان در گلخانه‌های سنندج اطراف شهر. بر اساس گزارش رسیده به ناژانس خبری زاگروس پست: در گلخانه‌های سنندج و اطراف این شهر، در مجتمع گلخانه‌ای زنان کار می‌کنند. در هر گلخانه ۷ تا ۸ زن کارگر مشغول بکارند. ساعت کار آنها از ۷ صبح شروع می‌شود و تا ساعت ۷ شب ادامه دارد.

گرمای زیر نایلون گلخانه‌ها یا به عبارتی دیگر این زنان کارگر در گرمای بیشتر از ۵۰ درجه بالای صفر روزانه ۱۲ ساعت مشغول بکارند.

همچنین حقوق روزانه زنان کارگر در این گلخانه‌ها، ۵۰.۳۷ است، و هیچ‌کدام از آنها بیمه نیستند.

فشار و سختی کار و گرمای جانسوز داخل گلخانه‌ها شماری از زنان کارگر را دچار بیماری کرده بطوریکه همین الان تنی چند از آنها در بیمارستان بستری هستند.

در حال حاضر هفت مجتمع گلخانه‌ای در استان کردستان وجود دارد که بر اساس گفته‌های یک منبع موثق مجتمع گلخانه‌ای چناره سنندج که دارای ۹ واحد است تنها سه واحد آن فعال است.

از ۱۹ واحد موجود در مجتمع گلخانه‌ای باباریز سنندج هم ۱۳ واحد فعال و مابقی غیر فعال اند و در این میان تنها پنج واحد موجود در مجتمع مایان کامیاران به طور کامل فعال است.

پروین محمدی به دادگاه احضار شد

طی ابلاغیه‌ای که برای پروین محمدی ارسال شده است باید در روز دوم شهریور در شعبه اول دادگاه انقلاب کرج حضور یابد. علت حضور مندرج در ابلاغیه، رسیدگی به شکایت علیه پروین محمدی به اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی قید گردیده است. پروین محمدی نائب رئیس هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران روز ششم اردیبهشت به همراه تعداد دیگری از کارگران در پارک جهان نمای کرج دستگیر شد و بعد از پانزده روز بازداشت به قید کفالت موقتاً آزاد گردید.

برجسب اتهامات نخ نمای امنیتی از قبیل "تبلیغ علیه نظام" به کارگران در راستای امنیتی کردن فعالیت‌های صنفی کارگران صورت می‌گیرد تا با زندانی کردن این فعالین مانع از مطالبه گری و پیگیری خواست طبقاتی کارگران شوند.

پروین محمدی و هیچ‌یک از کارگران و مزدبگیرانی که برایشان پرونده‌های قضایی تشکیل شده است هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند و تنها از حق خود و هم طبقه‌ای هایشان دفاع کرده‌اند.

کارگران ایران در مقابل فقر و فلاکت عمومی حاکم بر جامعه و استثمار برده وار ساکت نخواهند نشست و با زندانی کردن و صدور احکام قضایی نمیتوانند یک طبقه بزرگ اجتماعی را به انقیاد بکشانند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن محکوم کردن ادامه روند قضایی برای

علیه تبعیض

یادداشتهای هفته

عبدل گلپریان

نجات جان فوزیه جوازی
از اعدام در دستان
مردم و فعالین
علیه اعدام است

خانواده مقتول بی تقصیرند. این حکومت و قوانین زنگ زده اسلامی است که برای شانه خالی کردن از احکامی که طبق قوانین پوسیده اسلامی علیه محکومین بکار می برد، می کوشد خانواده های مقتولین را نیز قربانی کند. حکومت چوبه دار اسلامی تلاش میکند بقای خود را با تداوم اعدام تضمین کند.

تا کنون مردم آزاده و فعالین علیه اعدام توانسته اند ماهیت جنایتکارانه و ضد انسانی قتل عمد دولتی را به خانواده های مقتولین بشناسانند. بسیاری از خانواده های مقتولین نه تنها در جرم و جنایات این حکومت شریک نشدند بلکه با دهن کجی به قوانین ضد انسانی قصاص پوزه حکومت را بخاک مالیده و در میان مردم از قرب و احترام بالایی برخوردار شده اند. بدون شک ادامه این تلاشها از سوی مردم و فعالین علیه اعدام میتواند مانع از اجرای این حکم ظالمانه و قرون وسطایی بشود.

خطاب به خانواده حبیب مرادی "مقتول" باید گفت که همه مردم در غم از دست دادن عزیزشان شریک هستند. نه حبیب و نه فوزیه هیچکدام مقصر این اتفاق نبوده و نیستند. این حکومت اسلامی است که با تحمیل شرایط مشقت بار بر زندگی میلیونها انسان در آن مملکت، بانی و مسبب اصلی هر اتفاق و رویدادی است. کودک هفت ساله فوزیه که هفت سال از عمر خود را بجای کودکی کردن در زندان گذرانیده است و به اندازه مادرش زجر و محرومیت کشیده است، عمیقا به مادر نیاز دارد. گرفتن جان فوزیه جوازی یعنی گرفتن جان و گرفتن آینده کودک هفت ساله او و نهایتا یعنی تداوم آدم کشی حکومت اسلامی.

جنبش بخشش از سوی خانواده های مقتولین با گذشت از اجرای حکم شنیع اعدام میتواند قانون قصاص اسلامی را عملا به زیاله دان بریزد. پایان دادن به پدیده اعدام و قتل عمد دولتی تنها با سرنگونی حکومت آدمکشان اسلامی ممکن و میسر خواهد بود.

به امید رهایی فوزیه جوازی از اعدام و رویت فضای بیرون زندان برای دختر هفت ساله اش و به امید گذشت خانواده حبیب مرادی که میتوانند بعنوان الگویی دیگر از آندسته از خانواده هایی که عمیقا در دل مردم با قرب و احترام جا گرفته اند، این توان و ظرفیت والای انسانی را از آن خود کنند.

یکشنبه ۹ تیر ۱۳۹۸

فلاسفه دوران
پدر شاهزاده!

اخیرا شاهزاده رضا پهلوی در یک نوار ویدئویی گفته است: "مارکسیستها در آن زمان" و "وز" می کردند و فلاسفه ای نداشتیم که جوابشان را بدهند."

شاهزاده درست میگوید فلاسفه ای نداشتند. مگر میشود در یک ساختار دیکتاتوری، سرکوبگر و اختناق زده تصور ظهور فلاسفه ای واقعی را هم داشت؟ تازه همان نویسندگان و روشنفکران عصر محمد رضا شاه هم نه تنها بخاطر بخاطر انتشار کتابهایشان مورد باجوبی قرار میگرفتند و خوانندگان این کتابها نیز با بگیر و ببند، با زندان، با شکنجه و تعقیب و مراقبت از طرف ماموران اطلاعاتی سر از ساواک در می آوردند و جوابشان را میدادند.

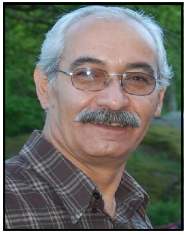
بطور واقعی محمد رضا شاه نیازی به فیلسوف و متفکر برای پاسخ به مارکسیستها نداشت برای پاسخ به مارکسیستها سازمان اطلاعات و امنیت و زندان این وظیفه را بخوبی انجام میداد و اساسا فلاسفه ایجاد و راه اندازی ساواک و دستگاههای اطلاعاتی پدر شاهزاده برای پاسخ در سر نیست کردن مارکسیستها بود.

شاهزاده بارها گفته است که:

"مارکسیستها حکومت اسلامی را بر سر کار آوردند". اینجا هم او حق دارد تاریخ را وارونه نشان دهد چرا که در حسرت اینکه نوبت شاه شدن او نرسید لازم میدانند مارکسیستها را نشانه بگیرد. اینکه محمد رضا شاه پهلوی در فریه نمودن جریانات اسلامی چقدر نقش داشت برای خاص و عام عیان و روشن است. اسناد، مدارک، تصاویر و فیلمهای مستند زیادی در این باره در دسترس همگان وجود دارد که خاندان سلطنت تا چه حد آیت الله ها و طیف ارتجاع اسلامی مورد عنایت پدرش واقع شده بودند. شاه در تمامی ایام زمامداریش در قلع و قمع مارکسیستها و کمونیستها ذره ای کوتاهی نکرد اما تا آنجا که در توان داشت برای ارتجاع اسلامی دانه ریخت و دست نوازش بر سرشان کشید تا کمبود فلاسفه مد نظر شاهزاده بعد از به زیر کشیده شدن حکومت سلطنت علیه مارکسیستها را تامین کند.

آنچه در این سخنان و سخنرانی های دیگر شاهزاده حائز اهمیت است و باید در آن عمیق شد این است که اساسا پیش زمینه های شروع انقلاب که منجر به سرنگونی محمد رضا شاه شد این بود که مارکسیستها و مردم حاشیه نشین شهرها در شکل گیری این انقلاب نقش اصلی را داشتند. اینکه در تعیین تکلیف نهایی و در ماههای آخر مسیر انقلاب هر چند سند مکتوب و توافق شده ای از سوی سازمان سیا از تمایل محمد رضا شاه برای بقدرت رسیدن ارتجاع اسلامی منتشر نشده است اما بلحاظ سیاسی و روند آینده انقلاب، شاه ترجیح میداد پوسیده ترین جریان ارتجاعی که سالها زیر شنل سلطنت پرور شده بودند و مورد حمایت او بود در تقابل با کمونیسم، چپ، آزادیخواهی و برابری طلبی سکان قدرت را در دست بگیرد. این افق و این چشم انداز در دوران جنگ سرد و نگرانی از "خطر کمونیسم از سوی بلوک شرق"، موضوع سیاسی و اجتماعی روشنی در تاریخ معاصر ایران است که فعلا مورد بحث این یادداشت کوتاه نیست.

پدر او نیازی به فلاسفه نداشت بلکه رسالت پاسخ به مارکسیستها را به زندانها، به شکنجه گاهها، به رکن دو و دیگر ارکان ساواک سپرده



بود و بعد از سرنگونی بساط سلطنت پهلوی این رسالت را به ارتجاع اسلامی خمینی واگذار کرد تا انتقام سرنگون شدن دستگاه سلطنت شاهنشاهی را از مارکسیستها و مردم انقلاب کننده بگیرند.

با اینکه دق دل شاهزاده کماکان از مارکسیستها و مردمی است که سرنگونی خاندان سلطنت پهلوی و حکومت پادشاهی را ممکن کردند و آرزوی او برای جانشینی پدر را دود کرده و به هوا فرستادند، چندان مد نظر او نیست. آنچه را که او با زبان الکن و مملو از ترس و وحشت میخواهد به مخاطبانش برساند این است که شاهزاده امروز قدرت و ابراز وجود مارکسیستها در دانشگاهها و مراکز کارگری را بو کشیده است. شنیده است که مارکسیستها و کمونیستها از محبوبیت بالایی برخوردارند.

وقتی که فیاض استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران میگوید: "امروز در دانشگاه شعارهای انسان گرایانه و عدالت طلبانه در بسیج دانشجویی و تشکل های اصلاح طلبی مطرح نیست بلکه مارکسیست ها در این زمینه پرچمدار هستند، و یا وقتی که امامان جمعه در نماز جمعه هایشان از حضور کمونیسم نو در میان کارگران حرف میزنند و به وحشت افتاده اند، چرا شاهزاده نگران نباشد و بو حشت نیفتد؟

بنابراین اشاره شاهزاده به "وزوز مارکسیستها" در دوران پدرش نیست چرا که بیش از نیم قرن از جانفشانی پدر تاجدار او علیه مارکسیستها گذشته است. خاصیت این درفشانی ها معنای امروزی تری دارد. او گذشته را با بیان "وزوز مارکسیستها" را بهانه ای کرده است که حضور و وجود شعارهای انسانگرایانه و پرچمداری مارکسیستها در دانشگاهها را بعنوان پیامی به طیف هواداران

از صفحه ۵ یادداشتهای هفته ..

برسانند و بگویند اگر در فردای تحولات سیاسی و به زیر کشیده شدن حکومت اسلامی کسی برای شاهزاده و طیف قفقوسیان تره خورد نکرد بدانند که اینبار به معنای واقعی کلمه فلاسفه ای نداشته و ندارند که جواب کمونیستها و مارکسیستها را در دانشگاهها و مراکز کارگری بدهند.

او بخوبی این را دریافته است که در آینده تحولات سیاسی در ایران و بعد از بزیر کشیده شدن حکومت اسلامی، سوسیالیسم خواهی، آزادی خواهی، برابری طلبی و تلاش برای تحقق جامعه ای شایسته انسان قرن بیست و یک، مهر خود را بر این تحولات خواهد کوبید. از این رو جرئت و جسارت این را ندارد که از کمونیسم نو در میان کارگران و از مارکسیستها در دانشگاهها با بنرهای سرخشان با صراحت تمام سخن بگوید بلکه با رجوع به دورانی که او هنوز نوجوانی تازه بدوران رسیده بود که از قبل هستی مردم و دسترنج کارگران در ناز و نعمت دوران می گذراند و سرگرم آموزش فلسفه وجودی سازمان اطلاعات و امنیت بود.

انقلاب پیش رو بدون تردید پاسخ کوبنده ای به این هجویات خواهد داد و نه تنها حکومت اسلامی را با قدرت تمام بزیر خواهد کشید بلکه کارگران سوسیالیست و دانشجویان مارکسیست اجازه نخواهند داد که فلاسفه مد نظر شاهزاده جامعه ایران را نیم قرن دیگر به گذشته بازگردانند.

۶ تیر ۹۸

فوتبال زنان، ترامپ و نژادپرستی

ترامپ، با انتشار توییتی کاپیتان تیم ملی فوتبال زنان آمریکا "مگان ریپینو" را به دلیل استفاده از لحنی بقول ترامپ "غیرمحترمانه" برای انتقاد از کاخ سفید مورد سرزنش قرار داد.

مگان ریپینو، کاپیتان تیم ملی زنان آمریکا که به همراه دیگر بازیکنان در مسابقات جام جهانی ۲۰۱۹ فرانسه حضور دارد در ویدیویی اعلام کرده بود که در صورت قهرمانی در این مسابقات

قصد ندارد برای دیدار با ترامپ پا به «کاخ سفید لعنتی» بگذارد.

ترامپ نیز در واکنش به سخنان اخیر کاپیتان تیم ملی زنان آمریکا روز چهارشنبه در صفحه توئیتر خود نوشت: "مگان هرگز نباید نسبت به کاخ سفید، کشور و یا پرچم ما بی احترامی کند".

ترامپ در ادامه با کنایه ای به بسکتبالیست های آمریکا همچنین یادآور شد: "غیر از بازیکنان آن بی ای (...). دیگر تیم های ورزشی بسیار مشتاق اند که به کاخ سفید بیایند".

مگان ریپینو به انتقاد از سیاست های دولت ترامپ شهرت دارد. او روز سه شنبه در ویدیوی کوتاهی که از سوی مجله "ایت بای ایت" منتشر شد گفته بود که: "من به کاخ سفید لعنتی نمی روم".

دونالد ترامپ در پاسخ به این سخنان همچنین در واکنشی توییتتری نوشت که: آنها فارغ از هر نتیجه ای به کاخ سفید دعوت شده اند.

این در حالی است که اعضای تیم بسکتبال گلدن استیت پس از کسب قهرمانی آن بی ای در سالهای ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به دعوت رئیس جمهوری برای رفتن به کاخ سفید پاسخ منفی دادند. فیلا دلفیا ایگلز، فاتح فینال مسابقات فوتبال آمریکایی موسوم به «سوپربول» در سال گذشته میلادی نیز همان رویه گلدن استیت را در پیش گرفت و دعوت دونالد ترامپ را رد کرد.

مگان ریپینو که سابقه بازی در فرانسه و تیم المپیک لیون را نیز در کارنامه دارد از جمله ورزشکارانی است که سال ۲۰۱۶ به حرکت اعتراضی کالین کاپرنیک، بازیکن سیاهپوست تیم فوتبال آمریکایی سانفرانسیسکو پیوست. بازیکنان لیگ فوتبال آمریکایی به پیروی از این اقدام اعتراضی با زانو زدن هنگام پخش سرود ملی آمریکا نسبت به رفتارهای خشونت آمیز و نژادپرستانه پلیس با سیاه پوستان واکنش نشان دادند.

.....

علاوه بر بستر و پیش زمینه های قبلی مواضع "مگان ریپینو" در مقابل ترامپ و رفتارهای نژادپرستانه پلیس این کشور در قبال

سیاهپوستان، داستان از آنجا آغاز شد که ترامپ پیش از این مجادلات کاپیتان تیم ملی آمریکا "مگان ریپینو" را "به دلیل نخواندن سرود ملی آمریکا و قرار ندادن دست بر سینه در جریان بازیهای مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۹ که در فرانسه جریان دارد مورد انتقاد قرار داده بود".

فارغ از مواضع تند و تیز مگان ریپینو در مقابل ترامپ و پیوستن او به حرکت کالین کاپرنیک بازیکن سیاهپوست تیم فوتبال آمریکایی سانفرانسیسکو در اعتراض به اعمال نژادپرستانه پلیس این کشور علیه سیاهپوستان، از منظر تمامی دولتتها و سران نژادپرست آنان میادین ورزشی عرصه ای رقابت انگیز همچون رقابت در بازار سود و سرمایه و با کمک گرفتن از احساسات میهن پرستانه که گویا میادین ورزشی عرصه دیگری از میدانهای جنگ ارتجاعی شان است به خورد افکار عمومی میدهدند.

تاریخ مسابقات ورزشی در تمامی سطوح آن و طی سالیان متمادی از سوی دولتتها و سیاستهای ناظر بر قوانین فیفا، عرصه فعالیتتهای ورزشی را علاوه بر فساد مالی در ساختار امپراتوری فیفا، با برافراشتن پرچمها، سرود ملی و دیگر شائبه های عرق ملی، ناسیونالیستی و نژادپرستانه آغشته کرده اند.

تبعیض جنسیتی در عرصه های ورزشی نیز بیدار میکنند. جالب است بدانید که فارغ از موارد فوق، تیم فوتبال زنان آمریکا با کسب موفقیتتهای بالاتری نسبت به فوتبال مردان، اما دستمزد و مزایای پائین تری نسبت مردان دریافت می کنند و پیشتر تیم فوتبال زنان در این رابطه شکایت خود از این تبعیض را ابراز کرده بود.

با اینکه افراد جسور و شجاعی همچون "مگان ریپینو" و برخی تیمهای ورزشی که برای دعوت به کاخ سفید و به درخواست ترامپ برای این دعوت تره خورد نکرده اند در حال افزایش است، اما این امر نیاز به تلاشی گسترده تر دارد که میادین ورزشی را نه برای کسب سود و سرمایه برای دولتتها و برای شبکه مافیایی فیفا و تبلیغ و اشاعه نژادپرستی، برافراشتن پرچم و رقابتتهای متاثر از دنیای سود و

سرمایه بلکه میادین و عرصه های ورزشی میتواند و باید مستقل از تمامی خزعبالات دنیای سرمایه داری و مستقل از رواج نژاد پرستی از سوی دولتتها، زیبایی ها، خلاقیتها و رشد و سالم سازی را به جامعه عرضه کند.

متحقق شدن يك فضای سالم، زیبا و ابراز وجود تواناییهای فردی و جمعی در تمام عرصه های ورزشی تنها در يك جامعه سالم، در يك جامعه آزاد، برابر و با هدف و انگیزه پرورش و ارتقا بازیگران عرصه ورزشی ممکن است. در چنین فضای سالمی است که همگان از دین تمامی هنرنمایی ها و ابراز وجود خلاقیتتهای ورزشی لذت خواهند برد.

۲۹ ژوئن ۲۰۱۹

"کنگره مشاهیرکرد" مظهر خالقی میتوانست سرپلند بماند نه سرافکنده

"بنا به اخبار منتشر شده قرار است "کنگره مشاهیر کرد"، روزهای ۱۱ و ۱۲ تیرماه در سنندج برگزار شود. به گزارش خبرنگار ایرناپلاس، یکی از شرکت کنندگان مظهر خالقی بعنوان مهمان ویژه این کنگره خواهد بود. مظهر خالقی باجناب جلال طالبانی است و قیاد طالبانی، فرزند جلال طالبانی، رئیس جمهور پیشین عراق و را در این سفر همراهی میکند. اعضای شاخص خانواده کامکارها از دیگر مهمانان ویژه "کنگره مشاهیر کرد" هستند و از جمله مسئولان کشوری که در این کنگره شرکت دارند عبارتند از، بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت کشور و از خاندان زنگنه در کرمانشاه، اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور و رحمانی فضلی، وزیر کشور نیز از مهمانان احتمالی این کنگره هستند.

یکی از تلاشهای همیشگی تاریخ چهار دهه حکومت اسلامی این بوده است که افراد و شخصیتتهای هنری را که بنحوی در میان مردم از محبوبیتی برخوردار بوده اند آلوده کند و شخصیت و کاراکتر هنری آنان را بسوزاند. تا حدودی هم این دست از هنرمندان قدیمی ترا وارد لجنزار کرده است.

مظهر خالقی برای شرکت در این مراسم خطای بزرگی مرتکب شد.

اگر او از محبوبیت و اعتبار خاصی در میان مردم برخوردار بود به این خاطر بود که تا به امروز خود را تحت هیچ عنوانی آلوده نکرد. پیشتر بیژن کامکار با ستایش از خمینی بعنوان جنایتکارترین شخصیت حکومت اسلامی آنچه را که کاشته بود بریاد داد و از همان مقطع تا به امروز هیچ انسان آزاده و شرافتمندی نه تنها کمترین ارجی برای کارهای هنری او و گروه کامکارها قایل نیست بلکه او را بعنوان هنرمندی مجیزگوی خمینی بعنوان کثیف ترین موجود تاریخ بشری می شناسند. گردن کلفتان هنری بسیار دیگری نیز بودند که به محض حضور در مجالس آدمکشان اسلامی نشان دادند که با این موجودات ضد انسان همسو هستند و از منظر مردم و افکار عمومی بعنوان هنرمندان سوخته یاد میشود.

خالقی میتوانست این انتخاب را نکند. او میتوانست مسیر لجنزار بیژن کامکار و این طیف از "هنرمندان" را انتخاب نکند و همچنان محبوب، دوست داشتنی و قابل احترام بماند. گفته میشود عشیره طالبانی در باطل کردن اعتبار او نقش داشته اند و برای شرکت او در "کنگره مشاهیر کرد" بی تاثیر نبوده اند. حتی در صورت صحت این گفته باز هم باید گفت مظهر خالقی خود چنین انتخابی کرده است. او شمه شصت سال کار هنری بی نظیرش را که سه نسل بدان علاقمند بودند سهل و آسان بریاد داد. او باید این را هم بداند که منبعده نه تنها کسی رغبتی در گوش دادن به صدای او از خود نشان نخواهد داد بلکه خالقی را بعنوان هنرمندی که خود، هنرش و تاریخ فعالیت شصت ساله اش را به يك حکومت جنایتکار فروخته است خواهند شناخت. خالقی میتوانست سرپلند بماند نه سرافکنده. به امید اینکه در این لحظات پایانی قادر باشد تصمیم بزرگی بگیرد و جاودانه بماند. خالقی با تصمیمی درست هنوز میتواند از مرگ کار هنری بیش از نیم قرن خود جلوگیری کند و از شرکت در این مناسک رژیم اسلامی که لجنزار هنرمندان است خودداری کند.

اطلاعیه های حزب

اطلاعیه خبری فراخوان بازنشستگان به تجمع اعتراضی و چند خبر اعتراضی دیگر



- بازنشستگان در تدارک برگزاری تجمع اعتراضی دیگری برای ساعت ده صبح روز ۱۲ تیر در مقابل صندوق بازنشستگی هستند. اعتراض آنان به وعده های توخالی، به اختلاس ها و بالا کشیدن ذخیره صندوق های بازنشستگی و کلا اعتراض به زندگی زیر خط فقر و تبعیض فاحش طبقاتی در سطح جامعه است. اکنون گروه های مختلف بازنشستگان برای برگزاری این تجمع آماده میشوند. تجمع قبلی بازنشستگان در روز ۲۸ خرداد در مقابل مجلس اسلامی برگزار شد. در آن تجمع بازنشستگان با شعار "جنگ افروزی را رها کن فکری به حال ما کن"، اعلام کردند که اجازه نمیدهند که جمهوری اسلامی به بهانه جنگ و تحریم و سیاست های آتش افروزان زندگی شان را به یغما برد. بازنشستگان و مردم معترض ایران با تشدید مبارزاتشان جواب هر نوع توطئه گری به بهانه جنگ و یا سناریوهای رژیم چنچی را میدهند و بر خواستهای برحق خود و یک جامعه انسانی تاکید میکنند. افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۷ میلیونی، درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای تمام کودکان و داشتن یک زندگی انسانی، خواستهای فوری بازنشستگان و همه مردم است. مبارزات و خواستهای بازنشستگان شایسته و وسیعترین حمایت هاست.

- روز ۱۱ تیر کارکنان اداره آب وفاضلاب روستایی شادگان در اعتراض به پرداخت نشدن بیمه خود دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

- روز ۱۰ تیر جمعی از کارگران شهرداری آغاچاری در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود، در مقابل ساختمان شهرداری این شهر، دست به تجمع زدند.

- روز ۱۰ تیر پروین محمدی از چهره های شناخته شده کارگری و نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران بار دیگر به دادگاه احضار شد. او باید در روز دوم شهریور در شعبه اول دادگاه انقلاب کرج حضور یابد. علت احضار رسیدگی به شکایت علیه پروین محمدی به اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی قید گردیده است. پروین محمدی در ششم اردیبهشت در آستانه روز جهانی کارگر همراه با تعداد دیگری از کارگران در پارک جهان نمای کرج دستگیر شده بود که بعد از پانزده روز به قید کفالت موقتاً آزاد گردید. پرونده تشکیل شده برای پروین محمدی و اتهامی تحت عنوان "تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی" از مصادیق آشکار امنیتی کردن مبارزات است. هم

اکنون کارزاری اجتماعی علیه امنیتی کردن مبارزات در جریان است. جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی مبتکر این کارزار از درون زندان بودند. پروین محمدی خود از فعالین این کارزار است. همچنین یک نیروی اصلی این اعتراض معلمان هستند. خواست مشخص این کارزار لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی و بسته شده پرونده های تشکیل شده برای آنان است. احضار پروین محمدی به دادگاه باید با اعتراض وسیع پاسخ گیرد. پرونده تشکیل شده برای او باید فوراً بسته شود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ تیر ۹۸، ۲ ژوئیه ۲۰۱۹

اطلاعیه خبری

چند خبر از اعتراضات هرروزه کارگران

- روز ۸ تیر دستفروشان در تبریز در اعتراض به ممنوعیت دستفروشی مقابل استانداری این شهرتجمع کردند. دستفروشان عموماً بخشی از کارگران بیکارند که برای تهیه لقمه نانی با هزار بدبختی اندک پولی تهیه کرده و به این شیوه با تهیدستی زندگی میکنند. این کارگران همواره با پیگرد و تهدید حکومت اسلامی روبرو هستند و حتی در مواردی این سرکوبگرها به قتل دستفروشان بدست سرکوبگران شهرداری منجر شده است. در شرایطی که از بیمه بیکاری، درمان رایگان و تحصیل رایگان در سطح جامعه خبری نیست، جمع کردن دستفروشان به معنای محکوم کردن بیشتر زندگی آنان به فنا و نابودی است. دستفروشان همواره در برابر این تعدیات ایستاده اند. ایجاد تسهیلات برای اشتغال آنان، رساندن درآمد آنان به رقم بالای خط فقر هفت میلیونی، درمان رایگان و نیز تحصیل رایگان برای فرزندانشان حقوق پایه آنان است. در همه جا از مبارزات دستفروشان باید حمایت و پشتیبانی کرد.

- روز ۷ تیر ۹۸ کارگران فضای سبز شهرداری شاهین شهر اصفهان برای سومین روز متوالی و همراه با خانواده هایشان در مقابل فرمانداری تجمع کردند. اعتراض کارگران به عدم پرداخت دستمزد و دیگر دریافتی هایشان است.

- بدنبال جمععات اعتراضی کارگران خاراژ در روز ۵ تیر بخاطر نپرداختن ۵ ماه حقوقشان، روز هفتم تیرماه ۲ ماه از معوقات مزدی آنان پرداخت شد. این شرکت مسئول پروژه احداث کانال انتقال آب به دریاچه ارومیه است.

- طوماری اعتراضی با خواست آزادی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه از سوی کمپین حمایت از بازداشت شدگان هفت تپه و زندانیان ترقی خواه منتشر شده و تا کنون تعدادی آنرا امضا کرده اند. این طومار خطاب به کارگران، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان، هنرمندان، روشنفکران و مردم آزادیخواه و برابری طلب است و امضای آن ادامه دارد. در بخشی از این طومار اعتراضی چنین آمده است: "بیش از پنج ماه است که اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفتتپه، سپیده قلیان فعال اجتماعی و اعضای تحریریه نشریه مستقل گام؛ امیرحسین محمدی فرد، ساناز الهیاری و امیرامیرقلی بعلت حمایت از کارگران هفتتپه و گروه ملی فولاد با اتهامات واهی امنیتی مواجه و محبوسند و علی رغم صدور قرار وثیقه توسط بازپرس از آزادی آنان ممانعت بعمل می آید. بی آنکه دستگاه قضایی حتی خود را ملزم به بیان علت عدم آزادی آنان بداند. در این

مدت دویار اعتصاب غذای ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فرد منجر به مشکلات متعدد جسمی برای آنان شده است و سلامت آنان در معرض تهدید جدی است." در خاتمه امضا کنندگان با اعلام اینکه اعتراض به تحمیل شرایط اسفناک زندگی بر طبقه تحت ستم حق بدیهی هر انسانی است و با محکوم کردن بازداشت و حبس کارگران و فعالان کارگری خواستار پایان دادن به برخوردهای امنیتی، پلیسی، پرونده سازی ها شده و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیرشدگان نیشکر هفت تپه تاکید کرده است. وسیعاً باید به این طومار پیوست.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ تیر ۹۸، ۳۰ ژوئن ۲۰۱۹

اطلاعیه خبری چند خبر اعتراضی

- روز ۱۰ تیر ۱۲۰ کارگر پایگاه شبت جهانی بم برای چندمین باربدلیل عدم دریافت بیش از ۳ماه دستمزد و حق بیمه خود اعتصاب کردند.

- بدنبال پیگیری های خانواده و اعتراضات بسیار در روز ۱۰ خرداد محمد حبیبی معلم زندانی که با هفت سال و نیم حکم در بازداشت بسر میبرد، برای مداوای بیماری چشم خود به بیمارستان فارابی انتقال یافت. محمد حبیبی بخاطر مبارزاتش در بازداشت است و به او حکم انفعال خدمت داده شده است. هم اکنون در میان معلمان کارزاری علیه حکم انفصال از خدمت محمد حبیبی و برای آزادی فوری و بدون قید و شرط وی و تمامی معلمان زندانی در جریان است. یک خواست مهم معلمان فعالین اجتماعی است. این خواست اول بار توسط اسماعیل عبیدی از چهره های شاخص مبارزات معلمان و جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران از درون زندان اعلام شد و به جنبشی اجتماعی تبدیل شد.

- روز ۹ تیر کارگران کارخانه قند فسا در اعتراض به عدم پرداخت حقوق، مقابل فرمانداری فسا تجمع کردند

- روز ۹ تیر کارگران بخش های ریسندگی، بافندگی و رنگری کارخانجات ایران پولپلین رشت در اعتراض به دو ماه حقوق معوقه خود تجمع کردند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ تیر ۹۸، ۱ ژوئیه ۲۰۱۹

KANAL DJADJID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358405758250
E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگری

از گروه فشار تا حزب سیاسی

مجموعه ۵ مقاله و سخنرانی از

منصور حکمت



از گروه فشار تا حزب سیاسی

مجموعه مقاله و سخنرانی از
منصور حکمت

- ۱- حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی
- ۲- جنبش سلبی و اثباتی
- ۳- آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است؟
- ۴- این حزب شما است
- ۵- سخنرانی در گوتنبرگ سوند

این مجموعه شامل مقالاتی از منصور حکمت است که مستقیماً به موضوع قدرت سیاسی و شیوه و متولوژی کمونیسم کارگری برای تأمین رهبری جامعه و کسب قدرت سیاسی مربوط میشود.

مقاله "حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی" اساسی دیدگاه و متولوژی کمونیسم کارگری برای کسب رهبری را اساساً در تمایز از نیروهای چپ غیر کارگری که در بهترین حالت بعنوان "گروههای فشار" عمل میکنند توضیح میدهد. نظریه حزب و جامعه سنگ بنای استراتژی حزب و پراتیک ما در تحولات سیاسی، در جنبش سرنگونی و بزجنبشهای اعتراضی جاری در جامعه است.

مقاله جنبش سلبی و اثباتی، که موضوع یک سمینار شفاهی درون حزبی بود، به متولوژی کمونیسم کارگری در برخورد به جنبش سرنگونی و انقلاب میرسد. این بحث نژاد و کاملاً متفاوتی از درک و شیوه سنتی چپ در برخورد به انقلابات است و نقش کلیدی ای در امر تأمین هژمونی و رهبری کمونیستی انقلاب ایفا میکند.

مقاله سوم "آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است" مشخصاً به تحلیل و بررسی جنبشهای سیاسی-طبقاتی جاری در ایران و نقاط ضعف و قوت هر یک در جامعه و امکان و توان آنها برای تأمین رهبری و کسب قدرت سیاسی میرسد. این نوشته نیز حاوی نکات مهمی در تعیین استراتژی کمونیستی در شرایط مشخص جامعه ایران است.

دو مقاله آخر متن اولین سخنرانی های علنی منصور حکمت در خارج کشور، در شهرهای استکهلم و گوتنبرگ سوند، است که بعداً در جزوه ای تحت نام "این حزب شماست" منتشر شد. این نوشته ها یک تصویر زنده و رادیکال و عمیق کمونیستی از رابطه کمونیسم و جامعه و آسای انسانی بوده مردم بنست میدهد و میتوان آنرا یک تبیین و تبلیغ و فراخوان کمونیستی جذاب و عمیق مبتنی بر نگاه و نظرانی دانست که در سه نوشته بالا توضیح داده شده است. بجز مقاله حزب و جامعه نوشته های دیگر همه سمینارها و سخنرانی های منصور حکمت است که بعد از درگذشت او گتبی شده است. لودبوری این مطالب نیز در سایت منصور حکمت قابل دسترسی است.

مجموعه این نوشته ها معرف یک دیدگاه و سیستم فکری است که یک خود ویژگی کمونیسم کارگری در شیوه دخالتگری در تحولات انقلابی و تأمین هژمونی کمونیستی است. اشراف و اتکا به این دیدگاه و عملکرد به آن بخصوص در شرایط حاضر که تحولات زیر و روکننده ای در راه است جایگاه و اهمیت ویژه ای پیدا میکند. مطالعه مجدد و تعمق در مورد این نوشته ها را به همه فعالین حزبی و به همه کمونیستهایی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی کمونیسم در ایران هستند توصیه میکنم.

حمید تقوایی

۱۰ جون ۲۰۱۹، ۲۰ خرداد ۱۳۹۸



این کتاب در حال حاضر بصورت آنلاین در سایت ها و صفحات حزب کمونیست کارگری قابل دسترسی است. بزودی به چاپ میرسد و علاقمندان میتوانند از طریق واحدهای حزب کمونیست کارگری آنرا تهیه کنند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!